

فرقه اسماعیلیه و پیش بینی امام صادق (ع)

زرارة بن اعین حکایت کند: روزی به منزل امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم، فرزندش حضرت موسی کاظم علیه السلام را در کنارش دیدم و جلوی ایشان جنازه‌ای - که روی آن پوشیده بود - قرار داشت.



زرارة بن اعین حکایت کند: روزی به منزل امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم، فرزندش حضرت موسی کاظم علیه السلام را در کنارش دیدم و جلوی ایشان جنازه‌ای - که روی آن پوشیده بود - قرار داشت.

امام صادق علیه السلام فرمود: داود رقی، حمران و ابو بصیر را بگو که نزد من آیند.

در همین بین مفضل بن عمر - دربان حضرت - وارد شد و من برای انجام مأموریت بیرون رفتم؛ و پس از ساعتی به همراه آن افراد حضور امام علیه السلام بازگشتم و مردم مرتب به منزل حضرت رفت و آمد می‌کردند.

امام صادق علیه السلام جلو آمد و در حضور جمعیت - که حدود سی نفر بودند - خطاب به داود رقی کرد و فرمود: پارچه را از روی صورت فرزندم، اسماعیل برطرف نما.

سپس اظهار داشت: ای داود! اسماعیل زنده است، یا مرده؟

داود پاسخ داد: او مرده است.

بعد از آن، افراد یکی پس از دیگری می‌آمدند و صورت اسماعیل را می‌دیدند و حضرت همان سؤال را از آنان می‌پرسید؛ و آنان می‌گفتند: او مرده و از دنیا رفته است.

آن گاه حضرت فرمود: خدایا! تو شاهد بر اقرار این افراد باش؛ و سپس دستور داد تا جنازه اسماعیل را غسل داده و کفن نمایند.

و چون فارغ شدند، فرمود: ای مفضل! صورتش را باز کن و پس از آن سؤال نمود: آیا او مرده است، یا زنده؟

و مفضل گفت: او مرده است، حضرت اظهار داشت: خداوند! تو شاهد باش.

و سپس جنازه را جهت دفن حمل کردند؛ و هنگامی که جنازه را در قبر نهادند، امام علیه السلام جلو آمد و به مفضل فرمود: صورتش را باز کن تا تمام افراد ببینند که او زنده است، یا مرده؟

و همگی شهادت دادند بر این که او مرده است.

آن گاه حضرت همچنین فرمود: خداوند! تو شاهد بر گفته آن‌ها باش، ای افراد حاضر!

شاهد و گواه باشید که به زودی گروهی به وسیله اسماعیل راه باطل را برگزینند و گویند که او زنده است؛ و امام و پیشوا خواهد بود.

آنان بدین وسیله می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند و در مقابل خلیفه و حجت خدا یعنی؛ فرزندم، موسی کاظم موضع بگیرند، ولیکن خداوند متعال نور خویش را به اتمام می‌رساند، گرچه مشرکان و بدخواهان نخواستند باشند.

و همین که خاک‌ها را داخل قبر ریختند، حضرت جلو آمد و اظهار داشت: چه کسی درون این قبر زیر خاک پنهان گشت؟

همگی گفتند: یا بن رسول الله! فرزند شما اسماعیل بود، که پس از غسل و کفن در این قبر دفن گردید.

و در پایان مراسم تدفین، برای آخرین بار حضرت فرمود: خدایا! تو شاهد و گواه باش؛ و سپس دست حضرت موسی کاظم علیه السلام را گرفت و اظهار داشت: این فرزندم خلیفه بر حق است، بدانید که حق با او و نیز او با حق است؛ و حق از نسل او خواهد بود تا هنگامی که وارث زمین - یعنی ولی عصر، امام زمان (عج)، آشکار گردد. (بحارالانوار: ج 48، ص 21، ح 32، غیبة نعمانی: ص 179)

با این‌همه تأکید و اصرار امام و حجة خدا، متأسفانه پس از رحلت آن امام بزرگوار عده‌ای از خدا بی‌خبر، مدعی شدند که اسماعیل نمرده و او همان امام قائم است و فرقه‌ای ساختند و به اسماعیلیه معروف شدند.